

به دنبال قتل دیپلمات هاولشکرکشی ایران به مرزا فغانستان
خطر درگیری نظامی بین جمهوری اسلامی و طالبان شد تا گرفت

کشتی ایران
به مقام قهرمانی
جهان رسید

تیم ملی کشتی ایران در مسابقات جهانی در تهران به مقام قهرمانی دست یافت. کشتی گیران ایران با بدست آوردن مقام اول در این رشته به انتظار ۳۳ ساله ورزش دوستان ایرانی پاسخ درخور دادند. ۳۳ سال پس از منچستر و پیش از آن در یوکوهاما کشتی گیران ایران مقام اول این رشته را از آن خود کرده بودند.

عباس جدیدی، علی رضا دیر و علی رضا حیدری در مسابقات جهانی که از چند سال پیش در ۸ وزن برگزار می‌شدند پیروزی پر رقیان، مدار طلا به گردند ایشان و رسول خادم و عباس حاج کناری به مدار نقره دست یافتدند. غلام رضا محمدی نیز مدار برنز بدست آورد.

در روزهای گذشته تهران پس از ۲۵ سال بار دیگر میزبان رقابت‌های جهانی در کشتی آزاد شد. استقبال ادامه در صفحه ۲

طایلان این جنایت را «واکنش طبیعی» در برابر حمایت جمهوری اسلامی از مخالفان این گروه در افغانستان توصیف کرد. وی افزود قاتلان شناسایی نشاند آن اما آنان به این علت که از فرمان رهبر سپاهی گردانند، شناسایی و مجازات خواهند شد. تا قبل این که خبر قتل ماموران جمهوری اسلامی در مزار شریف اعلام شود، رهبران حکومت در تهران با تعریض پسی در پی مشی سیاسی - دیپلماتیک از یک سو و لشکرکشی و اجرای مانور «عاشرای ۳» و «ذوقفتار ۲»، از سوی دیگر این تصور و انتظار را در میان مردم ایجاد کرده بودند که اگر طایلان بر سر عقل نیاید و دیبلمات و خبرنگار ایرانی را آزار نکنند، «خشم خروشان سپاهیان اسلام» بر آنها سر بریز خواهد شد. اما آنان روز پنجمینی با شنیدن خبر کشته شدن ماموران خود به دست طایلان در برابر پرسش دشواری قرار گرفتند. با طایلان چه باید کرد؟ در نخستین واکنش وزارت ادامه در صفحه ۶

قتل رسیده‌اند. وکیل احمد متول سخنگوی طالبان روز پنجشنبه گفت ماموران جمهوری اسلامی توسط تیروهای طالبان کشته شده‌اند. وی تاکید کرد که قتل این ۹ تن خلاف دستور ملا عمر رهبر طالبان بوده است. سخنگوی

جمهوری اسلامی سفیر خود را از پاکستان به
میران فراخواند

A black and white photograph showing two soldiers standing on top of a tank. The tank's long barrel points towards the left. The background is a hilly landscape.

پیروهای سپاه در مرز افغانستان مانویور می‌دهند. بحران افغانستان را قادر نظامی حل نخواهد کرد.

افشاگری‌های تازه در مورد شکنجه در زندان

- گروهی از شهزاداران: در سلول‌های انفرادی فریاد ناله و ضجه کسانی که شکنجه می‌شند و را می‌شنیدیم
- یک نماینده مجلس: اگر روزی فضای سیاسی کشور مطلوب شود شخص خواهد شد که عمق فاجعه بسیار فراتر از موضوع شهرداری است

۶ تن از شهیداران سایپ تهران در گزارشی که در روزنامه توی انتشار یافت فاش ساختند که در زندان های جمهوری اسلامی شاهد شکنجه و حشیانه زندانیان بودند. این شهیداران گفتند که برای گرفتن اقرار آنان را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند، شلاق زدند، بی خوابی داده‌اند و ادامه در صفحه ۴

اظهارات تازه‌گزوهی از شهیدارانی کسه در ماجرای شهرداری تهران بازداشت شده پسوند، پیرامsoon وجود شکنجه‌های وحشیانه در زندان های جمهوری اسلامی، دو هفته پیش در روزنامه توی انتشار یافت و گوششایی از رفتار ددمنشانه با زندانیان سیاسی در زندان های ایران را آشکار کرد.

عباس امیرانتظام دوباره دستگیر شد

بازار داشت که در این میان امیرانتظام مبارز سرشناس بار دیگر توسط حکومت جمهوری اسلامی بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.

بنابراین همان‌ها امیرانتظام هسر وی، با پرسش شعبه ۵۱ دادگاه عمومی، درخواست وکیل مدافعان او برای سپردن یک وجهالضمان یک میلیون تومنی را نذیرفته و هفت‌گذشته او را

منشور پیشنهادی کانون تویسندگان ایران منتشر شد

پیايان «سوسياليسن
واقعا موجود» به
معنای پیايان
هومانيسم ماركيس
هم هست؟

باشد، با سانسور همکاری کرده،
نمی‌توانیم او را در کانون راه
دهیم... مادر مورد کسانی که
مشخص هستند و می‌شود
امشان را هم پرده، مشکل داریم
که اینها در آینده قابل حل
هستند. باید بینشیدن در یک
محیطی و دقیق باشد و مادرک
حروف بزنند. ما در راستایم،
از امداد در صفحه ۵

نشور کانون، بد شرایط
عضویت اعضا مربوط می‌شود به
ین که آیا کسانی در دستگاه
سانسور شرکت داشته‌اند،
تو اینست به عضویت کانون
را زیند؛ در این زمینه هوشگ
گلشیری به ماهامنه فرهنگ
نوسعه گفته است: ما هر جا سند
بپیدا کیم که یک روشنکر، یک
رسنیدن، هر حقیقت، همه مشهد

از سوی کمیته تدارک و
رگزاری مجتمع عمومی کانون
نویسندهان ایران، منشور
یشنهدای کانون منتشر شد. این
نشور قبل از انتشار، عدتاً در
یان نویسندهانگی که «بیانیه
۱۳» را امضا کرده بودند، دست
گشته و به تایید اکثربت آنها
رسیده بود. قرار است منشور
یشنهداده، پشتندادات اصلاح-

حزب الله عبد الله نوري و عطاء الله مياحداني، را مضری و بکرد

مردم می خواهند سران گروههای فشار دستگیر شوند

اطلاعات پیمار میهم هنوز خبری نیست، و آن چه هست، تنها موج پیانیده‌ها و محکوم کردن‌ها است. این در حالی است که مردم به صورتی سترده با روزنامه‌ها تماس می‌گیرند و خواهان معرفی و دستکشی سرمان گروه‌های فشار و باندنهای حسایت کننده آن‌ها می‌شوند. ادامه در صفحه ۴

دستگیرشدگان به دستور قوه قضائیه آزاد شده‌اند. هنوز هویت و اینستگی کسانی که در ارتباط با حمله به عبدالله نوری و عطالله مهاجرانی زیر فرهنگ و سخنگوی دولت ر مراسم نماز جمعه هدف حمله ضرب و شتم قرار گرفتند، وزیر امور خارجه داد که گروهی از سواحل این تهاجم دستگیر شده‌اند. در پی آن برخی از وزنده‌ها نشستند، تعدادی از

مشکلات کهنه در آغاز سال تحصیلی. تازه

آغاز هر سال تحصیلی، سال هاست که در ایران با یک ماجراهی تکراری هسراه است. از یک سو شوق اموختن و دیدارهای دوپاره با دوستان که خانوادها را در فضای تازه‌های قرار می‌دهد و از سو دیگر آنوه مشکلات بیشماری که برای روانه کردن یک یا چند قرنز به مدرسه و داشتگاه وجود دارد، میلیون‌ها دانش‌اموز، دانشجو و خانواده‌های آنان اسال نیز در شرایطی به استقبال آغاز سال تازه تحصیلی می‌روند که با آنوه از مشکلات همیشگی و کهنه مواجه‌اند، مشکلاتی که آغاز سال تحصیلی راکه باید یک چشم بزرگ باشد، به یک مشکل برای میلیون‌ها خانواده‌ها تبدیل کرده است. گرانی کیف و کفش و روپوش و لوازم تحریر، بار گرانی را بر دوش مردم گذاشته است. در تهران مقامات مستول اعلام کردند که با مانورهای گسترشده و ضربیتی به مقابله با گرانی‌ها خواهند رفت. نام این مانورها «مانور دانش» گذاشتند و هدف آن ظاهرا مقابله با گرانی فروشی کیف، کفش، پوشاک و لوازم تحریر اعلام شده است. «مانورهای ضربیتی»، مشکل مردم را حل نکرده است. وسیله مناسبی برای تبلیغات رژیم شده است.



سرمقاله

تاکی؟

تشنج بین جمهوری اسلامی و جریان طالبان در افغانستان طی دو هفته گذشته با شتابی بالا قوس سعودی را پیمود. این پحران، با تسخیر شهر مزار شریف توسط طالبان که در جریان آن سفارت جمهوری اسلامی و کارکنان آن بدست آنها افتاد، حدت یافت. تشنج، باز هم حادرت شد آنگاه که در کنار تهدیدهای متقابل نظامی بسیاری از مقامات ریز و درشت حکومت علیه طالبان، تصمیم استقرار نیروی ۷۰ هزار نفری پاسداران در مرزهای شرقی کشور به اجرا درآمد. در آخرین روزهای بود که «احمد وکیل متولی» سخنگوی طالبان پس از مدت‌ها طفره روی و تناقص‌گویی، قتل ۹ نفر از کارکنان سفارت بهمراء یک خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی را اعلام داشت. و با این اقدام، رهبری رژیم تهران را نیز دستکم در حرف از دوگانگی در سیاست جنگ یا دیپلماسی درآورد. رفسنجانی روز جمعه گذشته، چکیده تدبیر حکومت در سطح بالا را اینکنونه بیان داشت که: انتقام از طالبان به قوت خود باقی است، اما جمهوری اسلامی با اجتناب از ماجراجویی، حق انتخاب زمان و شیوه اقدام را برای خود محفوظ می‌دارد.

و باعیت یکمایه اخیر در افغانستان، از یکیسو سردرگمی مقامات حکومت را به نهایش گذاشت و از سوی دیگر موج وسیعی از انتقادها نسبت به سیاستهای حکومت در گذشته دور و نزدیک نسبت به افغانستان را به راه انداخت. همین واقعیت است که فبرورت اتخاذ یک مشی درست در قبال افغانستان را بیش از پیش در دستور روز قرار می‌دهد.

پیشروی بر قرآن بغایت ارتجاعی طالبان در شمال افغانستان و تصرف مرکز «اتحاد شمال» توسعه آنها، البته در خلا صورت نگرفت. حمایت‌های بسیاری از حکومت‌های «جهان اسلام» و از جمله جمهوری اسلامی از آزمایش بعب هسته‌ای پاکستان، به رژیم این کشور فرست داد تا برای به اصطلاح یکسره کردن کار افغانستان، محیلنه و غافلگیرانه نیروی لجستیکی و حتی نفراتی وسیعی را جهت تقویت بیش از پیش طالبان وارد میدان کند.

بعران حاد اقتصادی و سیاسی در روسیه، امکان تاثیرگذاری این کشور - و به تبع از آن دولت تاجیکستان - بر تحولات داخل افغانستان را کاهش داد. عربستان سعودی نیز با بناء گرفتن در پشت دیپلماسی باصطلاح تامین توافق مثلث ایران - عربستان - پاکستان در قبال افغانستان، کمک‌های عظیم مالی به طالبان را بالا برد. حتی گفتہ می‌شود که دولت ترکمنستان که در انتشار سرکار آمدن یک حکومت واحد در افغانستان برای تامین امنیت در انتقال نفت و گاز خود از راه افغانستان می‌باشد، مزهای خود را در خدمت تجهیز نیروهای طالبان به مهمات آبیوه قرار داد. بدین ترتیب بودکه طالبان وابسته به ارتش پاکستان و دینارهای عربستان طی حملات نظامی سریع، آخرین سنگر مهم را ز دست مخالفان خود بیرون کشیدند و ردی خلافت بر ۹۰ درصد خاک افغانستان را بر تن گردند.

ادامه در صفحه ۴

تاكى؟

ادامه از صفحه ۱

تقویت باز هم بیشتر موقعیت طالبان در افغانستان که وارد قوم کشی

«بچه سفنا» سالهای آخر ده سوم فرن پیشتم و مجری تمام عیار

«حکومت شریعت» هستند، بدون شک یک فاجعه بزرگ برای کشور

همسایه ما افغانستان و یک خطر جدی علیه صلح در منطقه و نیز منافع

ملی کشور ماست. این جریان پاکستان ساخته که در خدمت منافع

استراتژیک آمریکاست، در عین حال مکحوم به خصومت ورزی و زیست

همسایه ما افغانستان را در خیابان اهلی در بخارا نشاند

در محیط خصمانی است که در هر گوش آن یک دشمن و یا سخت

بزرگ و کوچک علیه آن هستند. تردید باید کرد که در افغانستان بیچ

گروه سیاسی به تنها قادر به تأمین ثبات، امنیت و پیچارگی این

کشور خواهد بود. افغانستان در بیست سال گذشته دستکم یک جنگ

بزرگ را به رسانده است: سکست و بی ایندگی در نوع انصار طلبی

سیاسی، طالبان هر اندازه هم که حمایت نظایر و شیطانی مالی شویخ

نمی تمعن عرب از دوشهای آنها گرفته تا اسامه بن لادن «را با خود داشته

باشد، در پیشین حالت فقط نمانده تبرهای از پشتونها، آنهم لاه نازکی

از خشن ترین، ارتقای ترین و عقب مانده ترین قشر مذهبی آنست. حال

آنکه در افغانستان، میلت ها و بوارهای مذهبی، عقیدتی با پایگاه های

اجتماعی بسیار گستره ای وجود دارد که طی بیست سال جنگ خانگی

دستکم در وجود انواع دستجات مشکل سیاسی و نظایر سازمان

یافته اند. سنجاقی که همه آنها و بیرون هست یک استثنای بخلاف

سیاسی، تعلق قوه، نظایر و مالی، دست نشانده قدرت قدرتی های مذهبی در

بدترین حالت و باسته تمام عیار آنها هستند. قدرت هایی که مستقیم و با

غیر مستقیم سایه ای است در امور داخلی افغانستان داشتند. که در دادن

اینکنی نسبت به سروش سیاسی این کشور به شدت حساسیت دارند.

طالبان، البته که در بیست آوردن سریع قدرت قدرت از همه رقبای

خود از آب درآمدند، اما حفظ قدرت همواره در اوضاع کوتای افغانستان

پویه دشوارتر از کسب آست. بنابراین موضوع این نیست که با تسخیر

تقریباً تمام مناطق افغانستان توسط طالبان، مسئله قدرت سیاسی در

این کشور به سود یک گروه و یا یک بلوک بنده از کشورهای منطقه حل

شده است: مسئله آن زمان که گروه های فشار بی مهایانه

سنجاقها و اجتماعات که مدت ها از

این گونه برخوردهای فیزیکی

توصیف کرد و جمهوری اسلامی

نوشت نوری و مهاجرانی از

بسیاری از هوداران دولت و

از جمله این جمیع های اسلامی

مسعود دنیمکی مدیر مسئول

نواته اند که اگر آن زمان که

گروه های در مصاحبه ای گفت:

چگونه است که مدت ها از

کتاب فروشی ها حمله می کرد.

دست از جان نوید و اکنون در هنگام

انتخابات خیرگان مجدداً شروع

شده است؟ این ایسپ

در بسیاری از ایام قرار دارد.

که به این مناسبت متشر

شده است، خاتمی به برخورد

قطاعه اند با گروه های فشار و

معرفی و دستگیری سران

اصلی این گروه های فشار

دسته اند. اما نخستین شرط اتخاذ چنین سیاستی، پذیرش

سیاست های فاجعه افرین سیاستگزاران جمهوری اسلامی در قالب

افغانستان از سوی خود آنهاست.

حکومت وضع پیدا آمده در افغانستان البته در درجه نخست متوجه

رژیم های پاکستان و عربستان سعودی و ملا دلت آمریکاست که فقط

سود خود را در افغانستان در نظر گرفتند و به سلطه یابی طالبان بر این

کشور یاری رسانیدند. اما حکومت های دیگری هم در منطقه موجودند که

هم متمه بدخالت در امور داخلی افغانستان هستند و هم تهمه بد باخت

رسوایی برانگیز در این عرصه. جمهوری اسلامی در زمرة نخست این

حکومت هاست که توان بالات سیاسی آن در افغانستان درین اوخر با

قتل عام در راه راه رفته شده و قتل تأسیف برانگیز دن از کارکنان

سفارت را در مزار شریف پرداخته شد.

در جمهوری اسلامی، طی بیست سال گذشته اتخاذ سیاست در قالب

تحولات افغانستان، همواره بینی از طریق چند مرکز

خاص به آقایان وزیر و معاون دارم و بنا به سایقای مسوبق می توانم

نحوه برخورد با این یا آن نیروی افغانی، اما در مجموع خصلت مشترک

تنگ نظری، انحصار طلبی و فزون خواهی داشته اند. لیکن همین

سیاستها در عمل یکدیگر را خشی کرده اند و در نتیجه سیاستی پیش

رفته است که روزمره گی، ذبحاله ری و تاخیر از مشخصه های ان بوده

است. در سال های آخر حکومت های جمهوری اسلامی در این زمان

حکومت اثنا هشت می در افغانستان بددیم، اما در قدرت های «مجاهد پرور»

محور امریکا، پاکستان و عربستان و دیگر قدرت های «مجاهد پرور»

تشکیل حکومت انتلافی می در افغانستان گمک کرد. باز هم اندکی بعد و

زمینی متوجه خطای سیاستی خود شد که یک امکان دیگر از دست رفت

بود. آن زمان هم که حکومت مغول و طالبان شروع شد و صدای زنگ خطر

سرکار آمدن یک جریان شریع پنهان آدمخوار وابسته به رقبای جمهوری

اسلامی همه گوش های مقامات حکومت را پر کرد، آقایان از یک سو

سردرگمی و افعال را پیش کردند و از سوی دیگر با مسأله کمک از

درین این اتفاقیان شماره می شود. به سیاست فزوون خواهی می شود

ادامه دادند.

اگر مقامات جمهوری اسلامی به سیاست فاجعه افرین و غیر قابل

جز بخوبی برانگیزند که سیاست انتلاف افغانستان اعتراف کنند و به این

نتیجه گیری برانگیزند که اینجا بود که این زمان را در

همسایه هیچگاه بر معرف تامین صلح در این کشور، آرامش در منطقه و

پاسخ به الامات ملی کشور ما قرار نداشته و بر عکس آنها مدام بر معرف

اسلامی را ایجاد کردند، آنکه این اتفاقیان شیعی از نوع شیعی آن در کشوری با

سیاست مذهب چرخیده اند، آنکه اتخاذ یک میزبانی در شرایط تداوم حکومت اسلامی در ایران نیز

دست نایافتی نخواهد بود.

راه ایران، راه اندختن مانور عاشورای ۳ پاسداران و یا ذوالفارق ۲

اوتش در مزه های شرقی کشور است. راه ایران خواب خروشی در قبال

رقایی محیل و تعابیر خواهی چون پاکستان و عربستان در در امور

افغانستان هم نیست. راه ایران، کوبیدن بر طبل چند با طالبان و یا

تمکین احتمالی در برابر آن نیز نیست. راه ایران تعقیب آن سیاست

خارجی است که در خدمت حل سیاست افغانستان بست افغانی ها باشد.

یعنی امکن که به ایجاد چنان فضایی در افغانستان که منجر به سر برآوردن

حکومتی در کابل باشد که اکثریت قاطع مردم چند ملیتی و چند مذهبی

افغانستان را نایابندگی کند. لازمه این سیاست هم البته تامین توافق

همه کشورهایی است که بعنوان از اتحاده که همه متفق هم شود

هستند. توافقی که قطعاً باید با مشارکت و زیر نظر سازمان ملل متحد و با

روج از جانشینی می شود و در اینجا نیز نیست. راه ایران خواب خروشی

در اینجا نیز نیست. راه ایران خواب خروشی در قبال

رقایی محیل و تعابیر خواهی چون پاکستان و عربستان در در امور

افغانستان هم نیست. راه ایران، کوبیدن بر طبل چند با طالبان و یا

تمکین احتمالی در برابر آن نیز نیست. راه ایران تعقیب آن سیاست

خارجی است که به ایجاد چنان فضایی در افغانستان بست افغانی ها باشد.

یعنی امکن که به ایجاد چنان فضایی در افغانستان که منجر به سر برآوردن

حکومتی در کابل باشد که اکثریت قاطع مردم چند ملیتی و چند مذهبی

افغانستان را نایابندگی کند. لازمه این سیاست هم البته تامین توافق

همه کشورهایی است که بعنوان از اتحاده که همه متفق هم شود

هستند. توافقی که قطعاً باید با مشارکت و زیر نظر سازمان ملل متحد و با

روج از جانشینی می شود و در اینجا نیز نیست. راه ایران خواب خروشی

در اینجا نیز نیست. راه ایران خواب خروشی در قبال

رقایی محیل و تعابیر خواهی چون پاکستان و عربستان در در امور

افغانستان هم نیست. راه ایران، کوبیدن بر طبل چند با طالبان و یا

تمکین احتمالی در برابر آن نیز نیست. راه ایران تعقیب آن سیاست

خارجی است که به ایجاد چنان فضایی در افغانستان بست افغانی ها باشد.

یعنی امکن که به ایجاد چنان فضایی در افغانستان که منجر به سر برآوردن

حکومتی در کابل باشد که اکثریت قاطع مردم چند ملیتی و چند مذهبی

افغانستان را نایابندگی کند. لازمه این سیاست هم البته تامین توافق

همه کشورهایی است که بعنوان از اتحاده که همه متفق هم شود

هستند. توافقی که قطعاً باید با مشارکت و زیر نظر سازمان ملل متحد و با

روج از جانشینی می شود و در اینجا نیز نیست. راه ایران خواب خروشی

در اینجا نیز نیست. راه ایران خواب خروشی در قبال

رقایی محیل و تعابیر خواهی چون پاکستان و عربستان در در امور

افغانستان هم نیست. راه ایران، کوبیدن بر طبل چند با طالبان و یا

تمکین احتمالی در برابر آن نیز نیست. راه ایران تعقیب آن سیاست

خارجی است که به ایجاد چنان فضایی در افغانستان بست افغانی ها باشد.

یعنی امکن که به ایجاد چنان فضایی در افغانستان که منجر به سر برآوردن

حکومتی در کابل باشد که اکثریت قاطع مردم چند ملیتی و چند مذهبی

افغانستان را نایابندگی کند. لازمه این سیاست هم البته تامین توافق

همه کشورهایی است که بعنوان از اتحاده که همه متفق هم شود

هستند. توافقی که قطعاً باید با مشارکت و زیر نظر سازمان ملل متحد و با

«کسی آمده است تا سرزهین ها را نجات دهد»

پروانہ کیا

نویسنده‌گان ایران از ترکیب آقایان سروش، حجت‌الاسلام کدبور، جانب عالی آقای گنجی، آقای چنگیز پهلوان، حجت‌الاسلام مجتبه شیبستی، آقای گلشیری و دولت آبادی و... تشکیل شود تا راجع به اصول «اساستامه و شکل سازمانی چنین کاری تصمیم گیری کنند». بد راستی برای ایجاد جامعه مدنی اسلامی مورد نظر آشوری تنها چنین کانون نویسنده‌گانی به کار می‌اید.

در پایان آشوری می‌گوید: «دین مهمترین نهاد تاریخی و فرهنگی ماست که چه قبیل از اسلام و چه بعد از اسلام محور جهان فرهنگی ما بوده است. نباید پایگاه دین را به اصطلاح روشنفکرانه، یکسره نادیده گرفت یا تحقیر کرد. دین در دل خود جریان‌های عمیق فکری بسیار نهفته دارد و به عنوان مهمترین نهاد فرهنگی، نقش بسیار بزرگ تاریخی دارد». و این سخن درست است، نقش تاریخی بزرگی در نگهداشتن مردم سرزمین ما در قریبانگاه اسلامی.

و بدینخونه تجربه تلح سازش روشترکان با حکومت و مذهب یک بار دیگر تکرار می‌گردد. آن هم در شرایطی که حکومت‌های اسلامی به صورت خطیر جدی برای صلح چهانی درآمده‌اند. درست در شرایطی که حکومت اسلامی در ایران به منتهای ضعف خود رسیده است، «اشوری»‌ها با سطح نمودن «جامعه مدنی اسلامی» به تقویت این حاکیت می‌شتابند.اما این‌ها غالباًند که نمی‌توان بشمر امروز را وادار کرد که با استعدادات پیشینیان زندگانی خوبی را ساعان دهد. قوانین مذهبی متغیر، به میزان ما نستند و جز آشوب و کشتار

نمی پرسن سایه و پر امروز و ستر چیزی به ارمغان نمی آورند. کشورهای اسلامی امروز در مجموع جزو عقب مانده‌ترین کشورها هستند. بسیاری تصور می‌نمایند که با برnamه‌های اقتصادی به تنهایی می‌توان مشکل این جوامع را حل کرد، اما واقعیت آن است که سد تفکر اسلامی راه را بر روی هر اندیشه نوئی در این جوامع بسته است. بدون برداشتن این سد نمی‌توان قدم‌های جدی برای تغیر جامعه و ایجاد مدرنیسم برداشت. حکومت‌های مذهبی چون معیارشان قوانین غیرقابل تغییر اسلامی است برای قوانین بین‌المللی که با رنج و تلاش انسان‌ها در طی

قریون به وجود آمده ازرسی قائل نیستند و هر جا که بتوانند آن را زیر پای می‌گذارند. هم امر روز شاهد آنیم که اندیشه مذهبی حتی با فتوای قتل مخالفان خود در جهان می‌کوشد سیطره خویش را رعایت نماید. و برخی از روشنفکران ما با وجود دیدن این همه جنایت و بی‌قانونی، باز دچار توهمات بیشمارند. با نگاهی به تاریخ اسرزینی‌منان در مرمی‌یابیم که متساقنه ما همواره زیر فشار حوادث کوئاکون تاریخی برای فرار از تنگیها، از چاله به چاه گردیخته‌ایم. و این چاله‌ها و چاه‌های تاریخی اندک نبوده‌اند. چند بار شکست خورده و بار دیگر آزموده‌ها را آزموده‌ایم؟ چند بار در طول تاریخ مجبور به مهاجرت گردیده و در بیان بار دیگر به قبول

زور و تحقیر و بی حقی تن در داده اید؟
نماین نگاه داشته می شود موقع مردم به تدریج
از خودشان و محیطشان کم می شود. اعتقاد به
خود را از دست می هدند. دنبال کسی می گردند
که به جای آنان فکر کند. و چه در دنیا ک است که
ما پس از ۲۰ سال تجربه تلخ انقلاب، هنوز در
بینی حکومت مدنی اسلامی هستیم. این طرز تفکر
نه تنها از سر مستقفل طلبی، بلکه دقیقاً از
سر عقب ماندگی ذهنی عمیق است که ریشه های
تاریخی دارد. انقدر بد چوب و چماق عادتسان
داده اند که خودمان می گردیم کسی را پیدا کنیم

تاتا یکسره خود را به او تقویض نماییم. امروز در حالی که کفگیر حکومت اسلامی ظاهرا به ته دیگ رسیده، اپوزیسیون در حال پخت آش تازه است تا به کمک حکومتی که خود سال‌های طولانی پر علیه آن مبارزه کرده بپردازد. با نگاهی به سخنان اشوری‌ها و نشریات اپوزیسیون و شخصیت‌هایی که از شعرا دندگان علیه جمهوری اسلامی به هوا دران خاتی تبدیل شدند، عق فاجعه را در می‌یابیم.

هیچ فکر کردایم که بد کجا می رویم؟
حسان مستویت در شکل گیری ترازی دی از
بیش دانستادی شرکت می جوییم. انتباھی راک
بارها و بارها انجم داده ایم، بار دیگر تکرار
می کنیم. به راستی در جهانی که با شتاب تعابیر
نویی را جستجو می کند، ما در کجای این جهان
پستاده ایم؟ آیا توanstاده ایم هر چند کند و
نهک لنگان خود را با اندیشه های نو در جهان
شماساز کنیم، یا حداقل اندیکی از غبار
دنیشه های کهنه را زن خود برویم؟ آیا اکنون که
جامعه ما مزه شمشیر و شلاق اسلام را پشیده
خرصتی مناسب نیست که بده او نشان
هیم که در آسمان خبری نیست و تنها
توانین قابل تفسیری که با تلاش مترقبی بشریت
در طول قرن ها برای زندگی انسان بوجود
مده است می تواند سعادت پشر را
در پنهان زمینی فراهم نماید؟

پیرامون مصاحبه داریوش آشوری با نشریه راه‌نو

است برای احیای دین و حاکمیت پیش و منش
اسلامی و دولت جمهوری اسلامی موظف است
سیاست‌ها و برنامه‌های خود را بر اساس هدف‌ها
و روح اسلام و عدم مغایرت آن‌ها با موازین
شرع مقدس بنا نهاد و در این راه بیش از هر چیز
نیازمند هدایت و روشنگری حوزه‌های علمیه
معظم و عالماً ژرفاندیش است.^۱ محمد خاتمی
در مرورد ولایت قیه اظهار میدارد که «ولایت
قیه به عنوان رکن این نظام پذیرفته شده است.
اما مخالفت با نظام دلیل اعدام شدن افراد نیست.
منتهمی کسی که در داخل نظام هست و می‌خواهد
از حقوق این نظام برخوردار باشد باید تن به

همدلی نشان دهیم». «از ادای»، «جامعه مدنی» در جمهوری اسلامی تنها با مفهوم اسلامی آن می‌تواند برقرار گردد و تا آن جا که حافظه تاریخ سخن می‌گویند از همان صدر اسلام اگر کسی مخالفت می‌نمود، گردند زده می‌شد. اگر کسی از شخص اول، یعنی فرستاده آسمانی، حتی غیر مستقیم ایرادی می‌گرفت محکوم به مرگ می‌شد و آن طور که از تاریخ پرمی آید در تمام طول این قرون به دلیل این که اسلام حوصله جر و بحث نداشته است، بدون درنگ حکم قتل صادر گرده است و اصراری هم نداشته است که دمکراتیک

باز مردم دل از او بمنی گیرند و پس از حدود ۲۰ سال کشتار وی قانونی و تحریر مردم توسط همین حکومت، بیس جمهورش با ۲۰ میلیون رای انتخاب می‌گردد و روشنگرانی که تا دیروز شعار سرنگونی حکومت را می‌دادند، این انتخابات را شانه مقاومت مردم از بیان می‌کنند. نشريات چند ماهه اخیر اپوزيسیون در خارج از کشور را رو بزیم تا با نظر انداختن به اندیشه‌های روشنگران و رهبران سیاسی اپوزيسیون به عمق این فاجعه بیشتر بپریم. در کیان لندن شماره ۱۳/۷۱۹ آوت ۱۹۹۸ داریوش آشوری در تبلیغ کتاب «از دنیای شهر

- به راستی اگر خاتمی به ریاست جمهوری انتخاب نمی‌شد، روشنفکران ما از جمله آشوری باز هم چنین سراسیمه به پشتیبانی از نظرات و اندیشه‌های او می‌پرداختند یا شیفتگی تاریخی ما در مقابل قدرت چنین برداشتی از خاتمی به آنان می‌دهد؟

● چه دردناک است که ما پس از ۲۰ سال تجربه تلخ انقلاب، هنوز در پی حکومت مدنی اسلامی هستیم. این طرز تفکر نه تنها از سر منعطف طلبی، بلکه دقیقاً از سرعقب‌ماندگی ذهنی عمیق است که ریشه‌های تاریخی دارد. آنقدر به چوب و چماق عادتمان داده‌اند که خودمان می‌گردیم کسی را

پیداکنیم تا یکسره خود را به او تفویض نماییم

تابیعت تز و لایت فقیه بدهد. و این درست نیست که بگوییم ولایت فقیه تنها دسته‌ای از چهار دسته شیعه است. ولی فقیه، ولی فقیه هر کسی است که این نظام را پذیرفته است ولی رهبر اقلیت‌ها نیز هست. رهبر کسانی که دین ندارند ولی این نظام را پذیرفته‌اند نیز هست. پندۀ که شیعه و پیرو امام هستم طبیعی است که این نظریه را از نظر اعتقادی نیز پذیرفتم. این یک بحث خطرناک است که گفته شود تنها یک دسته خاصی ولایت فقیه را قبول دارند. خاتمی در اولین مصاحبه مطبوعاتی خویش انتخابات را به درستی پیروزی جمهوری اسلامی به تأثیرگذاری خود بر این انتخابات می‌داند. نهونه کشورهای اسلامی در جهان و کشور خودمان مoid آین نظر است.

آشوری ادامه می‌دهد: «ما امروز یک جریان روشنگری دینی داریم که بسیار اصولی است و به سلاح‌های انتقادی فکر مدرن مجهز است همانند جریانی که تحت تاثیر اندیشه‌ها و نوشته‌های آقای عبدالکریم سروش است. این روشنگری جریان بسیار اساسی است و حرف‌ها و ایده‌های مهمی دارد. من شخصاً برای آن ارزش و احترام بسیار قائل و فکر می‌کنم ایندۀ ایران بیشتر در گرو حرکت این خط روشنگری مذهبی است که می‌تواند تأثیقی سیان سنت و نجات همانی را ساخت در خطر می‌بیند» نام می‌برد. گویا از میان این همه پژوهش‌هده تنها یهود

حساب می اورد و در جواب به این سوال که ایا آزادی های فرهنگی بیشتری فراهم خواهد آمده می گوید: «این از اختخارات جمهوری اسلامی است که آزادی های شخصی و عقیدتی کاملاً مورد احترام قرار گرفته است». وقتی از ویر در مورد حقوق زنان سوال می شود ادعایی کند که «در مقایسه ایران با کشورهای همسایه، زنان در ایران از موقعيت سیار برتری پرخور دارند».

اگر آشوری چشمش را به روی اندیشه های این «روشنفکر دینی دونون حکومت» بسته است، مانند توافق و نسباید چشمانمان را به روی حقایقی چنین روش بنديم. آشوری، ادامه مدد: «فضای باز ایجاد شده اندیشه های سنتی با همراه دنیای مدرن یکند».

محمد خاتمی است که چنین موقعیتی دارد. در پایان آشوری آرزو می کند که خاتمی به باری خداشی به سلامت از این میدان پرخطر بیرون آید.

به راستی اگر خاتمی به ریاست جمهوری انتخاب نمی شد، روشنگران ما از جمله آشوری باز هم چنین رساییم به پشتیبانی از نظرات و اندیشه های او می پرداختند یا شیفتگی تاریخی ما در مقابل قدرت چنین برداشتی از خاتمی به قرار می گیرد که به حکومت کمک نمایند تا تجدد را در حوزه دین پیگاند. یعنی با حفظ چهار جوب های دینی جامعه، اشکالی از تجدد را بدون معنویات واقعی آن به کار گیرد تا بتواند همچنان ذهنست انسان جامعه مارا بفرماید.

آشوری سپس حرف اصلی خود را آشکار می‌سازد: «به نظر من ما نیازمند یک گفتگوی «سازش» سازنده میان همه جریانات روشنفکری و مجموعه نظام حاکم هستیم. جامعه ایران فقط از راه این گفتگوها می‌تواند پیش برو». اما عالمون نیست این سازش از نظر آشوری چگونه است. آیا می‌توان قرآن و قوانین مذهبی را تغییر داد؟ جواب این سوال در جوامعی با حکومت‌های مذهبی مسلمان متفق است. قوانین الهی اگر تغییر یابند کل تنک الهی را به زیر مفصلی در مورد تاریخ روشنفکری از دوران مشروطه تا به امروز، از پیدایهای به نام «روشنفکر دینی» نام پرده و می‌گوید: «ما امروز شاهدیم که نوعی روشنفکری مستقل که بنیادش بر تفکر و استقلال رای فردی است در حال پیدایش است و این نوع روشنفکری شاخه‌ی مذهبی خود را نیز دارد. و حتی در حوزه‌های علمیه قم و در میان روحاپیت نیز به چشم می‌خورد». روشنفکری مستقل که بنیاد بس استقلال رای فردی است، آن هم در حوزه‌های علمیه قم چه مضمون‌های خواهد بود؟ حوزه‌های علمیه

امروزه سرنوشت‌شان انچنان به هم گره خورده است که تفکیک آنها از یکدیگر ممکن نیست.^{۱۰} به این صورت گویا آشوری معتقد است که برای نجات ایران اول باید اسلام رانجات پدیده! او سپس ضمن تعریف‌های فراوان از خاتمی می‌گوید:

«تحقیق جامعه مدنی که آقای خاتمی مهمترین مطلع‌گشته‌اش هستند بهترین راه نجات جامعه ایرانی و مهمترین راه تطبیق این انقلاب و دستاوردهای آن با شرایط دنیاًی امروز است که جامعه ماسخت بدان نیازمند است. این جامعه در صورتی می‌تواند از بحران بیرون بیاید که بتواند مفهوم جامعه مدنی را تحقق پخشد و نهادهای مستقل در خود دولت تشکیل شوند و ابتکار آزادی فردی و آزادی اندیشه‌مرد احترام قرار گیرد».

داریوش آشوری به خوبی می‌داند که تحقق جامعه مدنی نه کار حکومت اسلامی است و نه کار محمد خاتمی و روشنگران دینی. چگونه می‌توان از مذهب که هر نوع اندیشه‌ای جز خود را کفر و بسی ایمانی و شایسته قتل و ترور می‌داند، تقاضای آزادی کرده؟ ترور اندیشه اولین دستوارد مذهب است و ما از چنین تفکری تقاضای آزادی اندیشه می‌نماییم؛ آن هم در سرزمینی که آدمی دست و پا بسته اسیر آیده‌های چند صد ساله است.

آشوری سپس پیشنهاد می‌کند که کانون علامت سوال خواهد برد و این پیزی است که نگهبانان دین و مذهب هرگز به آن رضایت خواهد داد. ساده‌نگری است اگر تصور نایم می‌توان با حفظ پیهارچ‌بچه‌ای راهی دینی، جامعه را به سوی مدرنیسم سوق داد. برای تغییر جامعه اولین اصل آزادی است و خوب می‌دانیم که شمشیر اسلام با آزادی اندیشه هیچ نزدیکی ندارد و از همان آغاز نه تنها سر صاجان تفکر غیراسلامی را قطع نموده، بلکه ریشه‌های هر نوع اندیشه‌ای جز اسلام را از بیع و بن برانداخته است. مگر اینکه داریوش آشوری دستخط جدیدی از قرآن کشف نموده باشد یا اصولاً بخواهد برای پیاده کردن اسلام همراه با روشنگران دینی! قرآن جدیدی تدوین نماید. داریوش آشوری کسی است که زمانی در رابطه با کتاب «غیربدگی» جلال آل احمد اظهار نموده بود که آل احمد با این کتاب ۳۰ سال مردم ما را به عقب می‌برد و امروز با نگاهی به اندیشه‌ها و نظرات خود وی می‌توان قضایت کرد که آشوری ۱۰۰۰ سال مردم ما را می‌خواهد به عقب پرگاراند.

برای آن که بینیم آشوری نیز مانند بخش وسیعی از روشنگران از بین پیغمبران جرجیس را پیدا کرده است، بهتر است نگاهی به نظرات خاتمی بیندازیم. محمد خاتمی در برنامه انتخاباتی خود در بخش «عدالت و معنویت» خاطرنشان می‌سازد که انقلاب اسلامی دعوتی نمی‌تواند اندیشه مستقل و استقلال رای فردی داشته باشند، چرا که در تفکر مذهبی هویت انسان در رابطه با خدا شکل می‌گیرد. بنا بر این استقلال رای نمی‌تواند بدون پیهارچ‌بچه مذهبی معنایی داشته باشد. انسان مذهبی، آن هم از نوع اسلامیش، یکسره تسلیم خداست. اگر بخواهد استقلال رای داشته باشد جایش دیگر در حوزه‌های علمیه نخواهد بود. مذهب همواره آدمی را نه تنها از فکر کردن، که از شک نمودن نیز بر حذر داشته‌اند. کار آدمی تنها پذیرفتن قوانین الهی است، نه فکر کردن در مورد آن‌ها. اما گویا مسئله این روشنگری تنها به حوزه‌های علمیه تمام نمی‌شود. آشوری ادامه می‌دهد: «ایدی توجه داشت که ایکون پیشی از روشنگری ما در حکومت است که چهره شخص آن آقای خاتمی است. این روشنگری با این امکاناتی که در اختیار دارد، در پی گسترش فضای آزادی در جامعه و برقرار کردن نهادهای جامعه مدنی است. بد عبارت دیگر روشنگری جامعه ما بر خلاف گذشته یک پارچه در مقابل حکومت قرار ندارد و خود به خود مدلی باکسانی که در راس مسئولیت‌های دولتی هستند و خواهان تعویلات عدده و اساسی در نظام سیاسی در جهت آرمان‌های حکومت خاتمی بیندازیم. محمد خاتمی در برنامه قانون و برقراری امنیت و آزادی برای همه، بیویژه اهل قلم و اندیشه‌دان، ما را وادار می‌کند که به این جریان مستولاند نگاه کنیم و با آن

انتخاب خاتمی و حضور گستردگی مردم در انتخابات، بخش وسیعی از اپوزیسیون و روشنکران خارج از کشور را چنان غافلگیر نمود که بسیاری از واقعیت‌های آشکار زیر سایه قرار گرفت. کسانی که تا دیروز از تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی سخن می‌گفتند و در تدارک نوشت نامه‌های متعدد به پارلمان اروپا یووند و انتخابات را تحریم می‌گردند، به نگاهان پس از انتخابات خاتمی سخن از انقلابی دیگر به میان آوردند.

واقعیت این است که این انتخابات برای حاکمیت اهمیتی ویژه داشت. چرا که جمهوری اسلامی به دلیل میکنون شدن در دادگاه میکنوس، تصمیم اتحادیه اروپا در مورد قطع موقت ارتباط با ایران، تحریم اقتصادی آمریکا، ریوده شدن فرج سروکوهی و انعکاس آن در خارج از کشور به شدت بی ابرو شده و در سطح بین‌المللی دچار انزوا گشته بود. در داخل کشور نارضایتی عمومی به اوج رسیده بود و اختلافات میان جناح‌های درون حاکمیت نیز

تصویرت حاد اشکار کردیده بودا گر چه این اختلالات هرگز بنیادی نبوده و این جناح‌ها در ماهیت امر تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند. همه آنان هدف مشترکی را دنبال می‌کنند و استقرار و استحکام هر چه بیشتر جمهوری اسلامی را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهند و خواب جهانی شدن اسلام را می‌پسندند.

انتخابات نیز در شرایطی کاملاً غیردکراتیک انجام گرفت، از میان ۲۳۸ داوطلب مقام ریاست جمهوری تنها ۴ نفر از طرف شورای نگهبان تایید شدند که یکی از آنها محمد خاتمی بود.نتیجه، انتخابات اصلی، در

انه محمد خاتمی بود. یعنی انتخابات اصلی در حقیقت از پیش از طرف نیروهای درون حاکمیت انجام گرفته بود. اما با انتخابات خاتمه تمامی این مسائل به کنار گذشته می شود و خود خاتمه محور اصلی بحث ها قرار می گیرد.

اما خاتمه کیست و چه گذشته ای دارد؟ سید محمد خاتمه بعد از دیوبستان وارد حوزه علمیه قم می شود، جزو واپسیگان و طرفداران خمینی است، تحصیلات خود را در رشته فلسفه در مدرسه علوم دینی اصفهان و سپس دانشگاه الهیات دانشگاه تهران به پایان می رساند. در سال ۱۹۷۸ از طرف بهشتی به هامبورگ فرستاده می شود تا سرپرستی یک مرکز اسلامی

را به عنده گیرد. بعد از یک سال به ایران بازمی‌گردد. از زندگی و مسئولیت‌های وی پس از انقلاب شاید بهتر باشد از زبان علیرضا نوری‌زاده پا خبر گردید:

«بعد از آبروریزی‌های عیاس دوزدوزانی وزیر ارشاد، مامور بازسازی وزارت ارشاد شد. و ۱۱ سال تمام این وزارتخانه را زیر نگن داشت و با وجودانی راحت و کارنامه‌ای متفاوت از دیگر کارگران رژیم این وزارتخانه را ترک کفت. خاتمی در طول جنگ معاون رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح در امور فرهنگی و رییس تبلیغات جنگی بود. از ۵ سال پیش به عنوان مشاور فرهنگی رییس جمهوری...»

(کتاب، لندن)، «اعقاده حسنه، در خشامان»

نیپهن سن، و آنکه پد سوایی درستی،
با انتخاب خاتمی نه تنها گذشته او، که تمامی
گذشته جمهوری اسلامی نیز فراموش می‌گردد.
از طرف پیش و پیعی از شخصیت‌ها و
سازمان‌های گوناگون بد خاتمی نیامد توشه
می‌شد و به یک باره تمامی «آرزوها» و
«خواسته‌ها»ی مردم از وی طلب می‌شد. دفاع
از خاتمی اگر در آغاز شور و هیجان اولیه از
جانب محافظ مشخصی مطرح می‌گردید، اما به
تدریج مانند بیماری مسری بد همه سرایت نمود
و کم کم به صورت امید و آرزوی همگانی
درآمد، «کسی آمده است تا سرزمین ما رانجات
دهد». و به این صورت «بایان اندیشه»

روشنفکران و اپوزیسیون خارج از گشوار هر روز باز تازه‌های می‌دهد. اما افسوس که این باغ ریشه در زمین اندیشه‌های متحجر مذهبی دارد و برای همین است که بار آن زهرآگین است. اخرين بار اين باغ زهرآگين نظرات داريوش آشورى است. اگرچون نوبت به او رسیده است که برای اين شور و شيدابي محمل‌های فلسفى نيز پرداشد و هر راه با بخشى از قارى خوانان حاکمیت از پردازه‌هاي به نام «روشنفکر دینی» نام پرده و به ضریح حکومت اسلامی دخیل بینند. نویسنده و روشنفکري که سال‌های طولانی در کار تحقیق و خواندن بوده است و بیش از ۱۵ جلد کتاب دارد، هستى و زندگى انسان سرزمین ما را یکسره در دست «روشنفکران دینی» می‌گذارد تا مثل قرون گذشته مردم ما را در فلاکت و تاریکی دنیايان اندیشه‌های دینی نگاه دارند و به برکت اسمان، انسان عصر ما را به هر خفت و خواری وادار نمایند.

براستی چند قرن لازم بوده است تا انسان سرزمین مایمید از حکومت مذهبی برگرد و از او گذابی آزادی ننماید و ابزار دست او نگردد؟ بر اساس چنین اندیشه و فرهنگی است که پس از انقلاب، جمهوری اسلامی با نواد درصد ارا مردم تایید می‌گردد و با آن که از همان آغاز استقرار حاکمیت خویش با پریدن سر و دست همان مردم حکومت خویش را تضمین می‌نماید

برقرار است. به هر حال تئوری‌سین‌های لیبرال بزرگی نظری تکویل و جان استوارت میل از همین دید به مسئله نگاه کردند. آنها دست کم در صراحت صور تبدیل مسئله یک سروگردان از مارکس بالاتر بودند.

نکته‌ای که مارکس بر آن تئوری‌سین‌های لیبرال برتری داشت، به عبارتی، قطب دیگر ارتباط اقتصاد بازار و جهان زندگی است: در اینجا مراد از بازار و پول شالوده از ارادی فرهی نیست، بلکه لحاظ اقتصاد بازار سرمایه‌داری است که آزادی فردی و عمومی را تهدید می‌کند. در خصوص تهدید شالوده‌های زندگی طبیعی حرفي نمی‌زنم. بنابراین قضیه‌تری قابلیت‌های بازار نیست، بلکه وجود لحظه کوری در بازار است که بارافه اعمومی در تغیر است. بد عبارتی، موضوع لزوم مهار و کنترل ان است. بازار، از جهتی دیگر، به لحاظ ایجادی کوادار و آزاد و از جهتی دیگر، به معنای اطلاع خسایل گذاشت و تعمیق سیستمی که از اینجا از اینجا از ریشه‌های رویکردها و موسسات دمکراتیک میکنند. است. بدینسان، تعارض قدیمی مارکسیستی دمکراسی صوری و دمکراسی واقعی در شکل تازه‌ای بروز می‌کند. در اصل تفاوت برس جایگزین دمکراسی جوهری از روی، یک بار دیگر جنبه دیگری از آن را بسط پژوهش و مکمل میان آزادی «تفنگی» و آزادی «عمومی» در جهان مدرن هدایت می‌شود که قبلاً به آن اشاره کرد.

اداعی من این بود که دینامیسم بازار سرمایه‌داری را نه از طریق مسحون آن، بلکه از طریق فعل کردن نهادها، روی کردها و سنتن دمکراتیک می‌توان رام و بهار کرد. ولیکن این سوال به قوت خود باقی است آیا و چگونه می‌توان پروژه سوسیالیستی - یا هسته ایل پروژه سوسیالیستی - را در چشم‌اندازی که اینجا مطرح شد، ارتاداد و حفظ کرد؟ لیکن اگر توجه کنیم می‌بینیم که آن پروژه‌هم اکنون در این چشم‌انداز رفع و حفظ شده است. زیرا یکی از اهداف مترکی منت سوسیالیستی، هشیه کنترل اجتماعی انساج باز اقتصاد جامعه بوده است. مادامی که توان این هدف را در فرمایم اقتصاد برنامه‌ریزی سوسیالیستی بیان کرد و این به راستی ممکن نیست - به همین خاطر، دمکراسی به خود خود به سرلوخه واقعی برنامه ممکن سوسیالیستی بدل خواهد شد.

سومین کنگره «اتحاد فدائیان خلق ایران»

نفع مردم ایران اینا نماید.
این روند همکاری و همگرایی می تواند کلیه سازمانها، محافل و عناصر طرفدار سوسیالیسم را در بر بگیرد و برای پیشبرد آن مسی توان از روش‌ها و طرق مختلفی از جمله برگزاری سینماها، کنفرانس‌ها، ایجاد بولتن‌های بحث مشترک و ... در عین تشید همکاری‌ها و مراودات تقابل استفاده کرد.

۲ - تلاش برای دستیابی به ائتلاف وسیعی از نیروهای چپ، مسترقی و دمکراتیک اعماق از احزاب، سازمانها، محافل و شخصیت‌ها، با هدف ایجاد چههای دمکراتیک، برای جهت دادن به مبارزات مردم برای:

- سرنگونی جمهوری اسلامی

- استقرار یک دولت موقت انقلابی

- فراخوان مجلس مؤسسان منتخب مردم برای تصمیم‌گیری در مورد قانون اساسی و سیستم سیاسی آشده کشور.

سازماندهی همکاری‌های پایدار فرماین نیروهای سیاسی در سطوح مختلف و برای دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران، گامی در جهت رسیدن به تحقق چنین هدفی است.

ایجاد اتحاد عمل پایدار سیاسی» که اخیراً توسط سه جریان، حزب دمکراتیک کردستان ایران، سازمان کارگران انتقلابی ایران (راه کارگر) و سازمان ما تحت عنوان «کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی» فعالیت خود را آغاز کرده است اقدامی در این راستاست، گسترش و تقویت این اتحاد از ظایف میرم ماست.

۳ - همکاری‌های موردنی با تمامی نیروهایی که از مطالبات دمکراتیک مردم در این میان یا آن عرصه معین دفاع می‌کنند و در چنین مبارزاتی مشارکت می‌نمایند، می‌سیار در این همکاری‌ها نه موضع نسبت به این یا آن نیرو، بلکه تقویت و گسترش بیشتر مبارزه مردم علیه حاکیت جمهوری اسلامی است.

شورای مرکزی سازمان ایران باشد.

چشم انداز خود دارد، از چارچوب محدود به وعده های خاتمی فراتر خواهد رفت.

۷ - تشدید تضادهای درونی حکومت و رشد مبارزات مردم در شرایط بعد از دوم خرداد، وضعیت ناپایداری را در جامعه ایجاد کرده است که در آن مردم در موقعیت بهتر و رذیم در وضعیت ضعیفتری نسبت به گذشته قرار گرفته اند.

۸ - در شرایط حاضر در مبارزه علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی، در عین انشای تلاش های خاتمی برای حفظ چارچوب رژیم، نوک تیز حمله ما مستوجه ولایت فتحیه (جناب خامنه ای - بازار) است.

۹ - مبارزه برای رفع نه تنها مغاربری سما مبارزه برای سرنگونی رژیم ندارد، بلکه در خدمت این هدف نیز قرار دارد.

اتحاد، ائتلاف، همکاری

در رابطه با سیاست این سازمان در قبال دیگر نیروهای سیاسی قطعنامه ای در کنگره به تصویب رسید. در این قطعنامه آمده است:

برای تقویت صفویت نیروهای مدافعان سوسیالیسم، برای گشودن چشم انداز یک انتربانی دمکراتیک در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و توسعه مبارزات جاوی مردم علیه آن، سیاست ما در همکاری با سایر نیروهای سیاسی، سه عرصه زیر را در بروی گیرید:

۱ - همکاری و همگرایی نزدیک و هدفمندتر نیروهای طرفدار سوسیالیسم و مدافع مسافع اکثریت مردم یعنی کارگران و زحمتکشان، بر اساس خطوط کلی برنامه ای، با هدف رسیدن به یک جنیش فراگیر سوسیالیستی در ایران، جهت گیری جنیش چپ را دیگر کمال در این راستا می تواند نقش قاطعی در تحولات سیاسی به

از گنگه دوم تاکنون، جامعه ما دستخوش تحولات میمی شده است. حسادت و رخدادهای سیاسی با شتاب ویژه‌ای سیماهی جامعه ما را دگرگون ساخته‌اند. شاخص اصلی تحولات دو سال گذشته، رویداد دوم خرداد و پیامدهای آن است.

۱ - انتخابات دوم خرداد نقطه عطفی در حیات سیاسی جامعه ما و در توازن قوای مابین مردم و حکومت و تغییر تعادل جناح‌های درونی رؤیم بود.

(...)

۴ - رای مردم به خاتمی، نه توهین آنان به او و شعارهایش، بلکه در کلیت آن، رای «نه» به وضعیت موجود و جناح قدرتمند حکومت بود.

۵ - جناح خامنه‌ای - بازار که هم اکنون نیز قدرت فاثمه را در جمهوری اسلامی دارد، مخالف هرگونه اصلاح و تغییری در وضعیت سیاسی موجود، و در صدد تشدید هرچه بیشتر سرکوب و اختناق در جامعه می‌باشد. این جناح، آماج وسیع ترین اعتراضات و مبارزات تسویه‌های مردم قرار دارد.

۶ - جناح خاتمی که هم اکنون قوه مجوه را در دست دارد، حفظ نظام و بقا حکومت را در پاره‌ای اصلاحات سیاسی جستجو می‌کند و بر آن است که تحت عنوان «توسعه سیاسی»، «قانون گرایی» و «جامعه مدنی» تغییرات جزئی را در ساختار سیاسی حکومت در چارچوب قانون اساسی بوجود بیاورد.

در این شرایط چگونگی ساختار حکومت، چگونگی مقابله با چشم‌توده‌ای، و آینده حکومت به موضوع اصلی درگیری‌ها مبدل شده و تضاد جناح‌ها را تعمیق بیشتر داده است.

رشد مبارزه مردم که هدف نسخه حکومت مذهبی، را در

حاکمیت جمهوری اسلامی (نه) پسگویند. (...). پرخورد اصولی با این تحول اولاً باور داشتن به روحیه و جهت حرکت جدید مبارزه مردم در مقیاسی گسترده و تقویت چین وندی است، و دوماً جلوگیری از توهم بخشی از مردم نسبت به شعارهای تبلیغی جناح خاتمی است که خواسته‌های مبارزه مردم را در خدمت منافع خودگرانه شریعت جمهوری اسلامی به کار گیرد.

پس از مباحثات هیچیک از دو سند فوق قادر نگردید ۵۰ درصد آراکنگه را جلب نماید.

نکاتی که در نقد سند ۱ اوضاع سیاسی مطرح می‌گردید از جمله این بود که ظرفیت رژیم برای انجام رفوم خیلی محدود است و بنابراین به مسئله توهینپردازی جناح خاتمی توجه کافی نکرده است، به شعارهای مستقل اقشار مختلف بپای لازم را نداده و تفاوت خواسته‌های آشها را در نظر نگرفته است، شعار تمرکز حمله علیه ولایت فقیه حالا دیگر بسیج کنیست و باید مطالبات دیگری را برای بسیج نیروها طرح کرد (...).

مواردی که در نقد سند وظایف ما مطرح می‌گردید از جمله آن بود که این قطعنامه سیاست مشخصی در بر ندارد، تحلیل روشنی از درگیری اصلی دون جناحهای رژیم ارائه نی دهد و جبیت اصلی ضربه و مبارزه را که بایستی جناح ولایت فقیه باشد، شخص نمی‌کند و برخی جانها تصویر غلوامیز از حرکت‌های جامعه ارائه می‌کند و ...

پس از مباحثات فسوق کمیسیونی انتخاب گردید و سند جدیدی بر مبنای نقاط مشترک دو سند فوق تنظیم نمود که به تصویب رسید.

در بخش‌هایی از این سند آمد، است:

تحقیق این تضاد و خواست حقوق دمکراتیک و آزادی های مردم در تمامی سطوح جامعه باشد.

تاقض بین جمهوریت و ولایت، در جمهوری اسلامی امری جدیدی نیست. این تاقض از همان بدو موجویت این رژیم، وجود داشته و ذاتی آن است. اما آنچه که پرداختن به این مساله و طرح شعارهای مشخص در مبارزه بین خواست جمهوریت از سوی مردم و دفاع رژیم از ولایت از سوی دیگر را، ضروری ساخته است، تاکید یکپارچه مردم بر تفوق بخشیدن به جمهوریت، برای مقابله با ولایت بعده از رویداد دوم خرد می باشد. این تاقض در بالاترین سطح که به صراحت خود را نشان می دهد، بلکه در تمامی سطوح جامعه از محله تا کل کشور، سیستم انتظامی حاکم، حی و حاضر است. مردم در سطح کل کشور خواستار تغییر این سیستمند. امروز در عین مبارزه با تلاش خاتمی برای حفظ احتجاج ب جمهوری اسلامی، نوک تیز حمله متوجه ولایت فقهی، سرمنشای تمامی مقامات غیر انتخابی است.

در بخش هایی از سند دوم (وظایف ما) امده:

۱ - در شرایط متحول کشوری در ایران که حرکت های فراگیر و وسیع توده ای مشخصه اصلی آن است، وجود عده بخوبی در رژیم سرمایه داری - مذهبی جمهوری اسلامی دیگر به تضاد جناح های آن بر سر تصاحب سهم بیشتر در قدرت حکومتی و غارت همه جانبه امکانات جامعه محدود نمی شود، بلکه چگونگی ساختار حکومت، مهار چنین توده ای و ادامه حکومت ولایت در مقابل حرفت رو به رشدی که سازمانیابی و تداوم آن می تواند کلیت نظام را به بخاراطه انداد زد به موضوع اصلی درگیری ها بدل شده و تضاد جناح ها را باز هم تعمیق داده است.

۲ - استخابات دوم خردادر، تحقیق اراده اعتراضی توده هایی است که قصد داشتند به دو دفعه شعارهای تاکتیکی ما، در عده های مختلف باید متوجه

نشریه اتحاد کار در شماره اخیر خوش گزارش سومین کنگره این سازمان را انتشار داد. در این کنگره موضوعات زیر مورد بحث قرار گرفت:

نقد عملکرد رهبری این سازمان، گزارش سیاسی و اوضاع سیاسی و ظایف ما، سیاست های ائتلافی (ائتلاف و اتحاد عمل ها)، بحران چه، اسنادهای سازمان، مسائل زنان، درباره خط مشی و در هر یک از موارد استاد با قراردادی به تصویب رسید.

اوپرای سیاسی

بنابرگزارش نشریه اتحاد کار، مهمترین موضوع مورد بحث این کنگره، مساله اوضاع سیاسی و ظایف ما در شرایط حاضر بود. در این رابطه دو سند یکی از طرف کمیته مركزی این سازمان تحت عنوان «اوپرای سیاسی و ظایف» و دیگری توسط تعدادی از اعضاء تحت عنوان «ظایف ما در شرایط کنونی» به کنگره ارائه گردید. در هر دو سند اهمیت تحولات یکسانه اخیر مورد تاکید قرار گرفته ولى راجع به دامنه تأثیرات جامعه و اتخاذ سیاست ها و شعارهای مشخص با یکدیگر تبازنی داشتند. در بخش هایی از سند اول (اوپرای سیاسی) امده است:

۱ - جامعه ما، امروز به مرحله جدیدی از تحولات خود، پای گذاشت است. برای اولین بار در حیات جمهوری اسلامی، توازن قوای جدیدی بین حکومت و مردم ایجاد شده است. این تعادل به نفع مردم و گسترش نفوذ و نقش آنها در تعیین مسیر جامعه، در حال تغییر است. نقطه بارز بروز تحول جدید، اختیارات دوم خرداد و نتایج حاصله از آن بود.

۲ - امروز در جامعه ما تضاد مردم با استبداد مذهبی به مثابه عامل اصلی فلاکت اقتصادی و اختناق سیاسی در جامعه، بر جسته تر از هیشه شده است. شعارهای تاکتیکی ما، در عده های مختلف باید متوجه

مصاحبه مرتضی الوری با نشریه توس

شوال شد: ما در زمینه احزاب و کمیسیون ماده ۱۰ روبرو هستیم که قوه مجریه در آن تنها یک نماینده دارد و به همین دلیل پرخلاف اعتقدات واقعی خود آقای خاتمی بر این مبنای که در چارچوب قانون اساسی، حتی گروههای مختلف نیز حق فعالیت دارند، توفیقی در زمینه آزادی احزاب و گروههای خارج از دولت هم به دست نیامد. در این زمینه نظر شما چیست؟

آقای الوری در پاسخ با اشاره به تصویب قانون احزاب در مجلس اول بقصد جلوگیری از فعالیت نیروهای پرانداز، طرح نمود که علیرغم آنکه در قانون اساسی اساس آزادی احزاب است اموروز درست برعکس شده. ما در مجلس اول کاسه داغتر از آش شده و قانونی تصویب کردیم که امروز چنین عوائقی ببار آورد.

بعد اقتصاد دست یابیم و بیدواریم این دیالوگ، مباحثات مانظره‌هایی که در زمینه سائل اقتصادی بین حامیان ای خاتمی و کل جامعه در ریان است، زودتر به ثمر برسد؛ برای راه را در کشوری که در یک بحران اقتصادی به سر می‌برد، شرط زم بوای بر طرف کردن بحران، شخص کردن خطوط اساسی اقتصادی و حرکت‌های جدی در نمایی است.

فکر می‌کنم که ما بالقوه توان تلوگوئی اساسی اقتصادی را در شور داریم؛ اگر چه وضعیت اقتصادی نامطلوب است. منتظر نمی‌باشد فعلیت رساندن این انان، تدوین برنامه‌ای جامع برای حرکت‌های یارندمدت و ایمان دلت اقتصادی است و این طلب هم یک همگرایی را در سه هرم تصمیم‌گیری اقتصادی شور می‌طلبید.

در انتهی با فعالیت احباب

گرفته شود. در همان مقطع یکی از نماینده‌ها به او تذکر داد که زمانی در همین مجلس با همین اصل، هچچون شمشیر، گردن افرادی را خواهند زد. و همین طور هم شد. زمانی نگذشت که آقای فواد کریمی در زمینه التزام به ولایت فیضه زیر سوال رفت و صلاحیت او رد شد. می‌خواهم بگویم که ما در بعضی از مواقع موضوع گیری‌هایی می‌کنیم که اگر منانع کل جامعه در آن در نظر گرفته شده باشد، مسکن است در یک مقطع دیگر علیه ما بکار گرفته شود. شما در مورد قانون دادگاه‌های عام نیز ممکن مشکل را می‌بینید. این قانون با هدف سرعت بخشیدن به رسیدگی پرونده‌ها در سجل چهارم تصویب شد؛ اما چون جامع نگوی لازمی در آن وجود نداشت در مقطعی دیگر یکی از فرزندان خودش، یعنی کرباسچی را که مدیری لایق بود رقبانی کرد. وی به سوال در رابطه با تمايزات جناح چپ و کارگزاران و برنامه‌های اقتصادی آنها چنین گفت: اگرکن به هر حال جریان کارگزاران و جویان چپ مشترکا کار می‌کنند. اختلاف نظرهای در مسائل اقتصادی وجود دارد که من آنها را به ضرر اقتصاد کشور می‌دانم؛ یعنی بر این باور هستم که حرکت اقتصادی باید از انسجام کامل سیاستگذاری برخوردار باشد. ولی متساقنه ما هنوز توانسته‌ایم به این انسجام مطرح می‌کنند: فکر نمی‌کنید که برای جریانهای حامی دوم خرداد، حمایت قانونی کافی وجود ندارد، و یا به تعبیر دیگر، ایزار قانونی بیشتر در اختیار جناح مقابل است و به همین دلیل طرفداران دوم خرداد تا حدی خلخ سلاح شده‌اند؟ سرنوشت روزنامه جامعه، استیضاح عبدالله نوری، محاکمه کریمچی؛ همه اینها فرآیندهای قانونی بود. آیا برای این فرآیندها راه حلی وجود ندارد؟

آقای الیری چنین پاسخ داد: بسینید، من قبول دارم که حرکت‌هایی که برای مقابله با جناح دوم خرداد قانونی بود (این که بربخی موارد قانونی بود) این است که موارد مستعدی را می‌توان برشمرد که این کار به صورت غیرقانونی و یا شکستن قوانین و ضوابط صورت گرفته‌اند. این قوانین ساخته و پرداخته مجلس یا مجالسی در گذشته بوده‌اند که به مسائل توسعه سیاسی - فرهنگی توجه لازم را نداشته‌اند. به عبارت دیگر، فکر نمی‌کرند که در یک مقطع، از قوانین مخصوص شان سوءاستفاده خواهد شد. بعنوان مثال، در مجلس اول یکی از نماینده‌های خیلی خوب و پرترعک مجلس (آقای فواد کریمی) تاکید داشت که اعتقاد و التزام به ولایت فیضه باید بعنوان یکی از شرایط کاندیداها در نظر

مصاحبه م

سوسیالیستی می دانست و معتقد بود که دولت مسئول نقیر و غنی شدن گروهها و اشار جامعه نیست و ما باید کاملاً شرایط را آزاد و رها بگذاریم و هر آنچه که اتفاق می افتد همان است که اسلام می خواهد. فقط کافی است که افراد حسن و زکات خود را بهدهند تا تکلیف از آنها سلب شود. جناح مقابله آقای خاتمی به تمام کسانی که از او حمایت می کنند. این جمع به توسعه اقتصادی سیاسی و فرهنگی معتقد هستند و توسعه سیاسی و فرهنگی را لازمه توسعه اقتصادی می دانند و حتی به توسعه سیاسی اندکی مقدم بر توسعه اقتصادی اعتقاد دارند. آنان عمیقاً به مشارکت مردم معتقد هستند و آزادی و دموکراسی را لازمه انقلاب و حکومت می دانند. ۲- طرز تفکر دیگری هست که به اعتقاد من، به توسعه سیاسی و فرهنگی پیهای لازم را نمی دهد و به تکثیر سیاسی به گونه دیدگری می نگردید. بعبارت دیگر، معتقد است که صرف احزاب و گروههای باید اجازه فعالیت داشته باشند که در چارچوبهای تعريف شده و محدودی که بعضی از مسئولان تحریم می کنند به فعالیت پردازند. گروه اول در زمینه سیاست خارجی به شنج زدایی اعتقاد دارد، در حالی که گروه دوم چنین باوری ندارد. یک تفکر معتقد به گفتگوی تمدن هاست و تفکر دیگر به جداسازی و ایجاد سد و دیوار برای مقابله با تهاجم ایجا کردن.

وی در پاسخ به این سوال که نظر وی در تقسیم بندی نیروها به سه نیروی راست و چپ و جناح سه‌همه‌بندی را یک حرکت انتقالی و برگرفته از سیستم‌های

بازار نفت در سالی که گذشت

بزگ ترین مصرف‌کنندگان

۸۳۵/۱	آمریکا	۴۱۵/۹		عربستان
۲۶۹	ژاپن	۳۹۸/۱		آمریکا
۲۲۰/۳	روسیه	۳۵۷/۷		روسیه
۱۴۰/۲	چین	۱۸۱/۱		ایران
۱۳۶/۹	آلمان	۱۶۹/۳		مکزیک
۹۴/۸	فرانسه	۱۶۲/۳		ونزوئلا
۹۳	کره جنوبی	۱۶۰/۸		نروژ
۹۲/۳	ایتالیا	۱۵۹/۵		چین
۸۸/۹	مکزیک	۱۲۴/۸		کانادا
۸۸/۱	کانادا	۱۲۲/۳		انگلستان

تولید نفت خام در سال گذشته 10×10^6 میلیون تن ($\frac{1}{3}$ درصد) افزایش یافت. در مقابل آن پهای هر بشکه نفت خام (۱۵۹ لیتر) که بطور متوسط ۱۹ دلار بود اکنون به کمتر از ۱۲ دلار رسیده است. سال گذشته مصرف نفت خام در سراسر جهان بطور متوسط 14×10^6 درصد از خود افزایش نشان داد. افزایش میزان مصرف نفت خام در آمریکای شمالی 2×10^6 درصد بود. اوایل سال گذشته بحران اقتصادی در کشورهای موسوم به پیرهای آسیا منجر به کاهش میزان تقدیم برای نفت خام شد.



پریساکف از سوی یاولینسکی
برای کاندیدا-سوری پست
نخست وزیری مطرح شد. پس از
موافقت ضمنی وی، کمونیست‌ها
و سایر فراکسیون‌های دوماً اعلام
نمودند که به او رای مثبت
خواهند داد. یلتسین از وی
بنوان «کاندیدای وحدت ملی»
نام برد.

پریماکف کیست؟ پوگنی پریماکف ۶۸ ساله وزیر امور خارجه روسیه بود. وی فعالیت خود را با خبرنگاری پیرای پراوا آغاز کرد و چند سالی را در خاورمیانه سرس بردا. او به زبان عربی سلطنت کابل دارد و با بسیاری از رهبران کشورهای عربی دوستی نزدیکی دارد. او چند سالی در سمت مسئول بخش شرق شناسی و سپس انتستیتوی اقتصادی و منابع بین المللی آکادمی علوم شوروی بود. وی سپس چند سالی را به سمت مسئول بخش بین المللی ک. گ. ب. منصوب گشت. با دبیر کلی میخانیل گارباراچف وی عضو هیئت مشاور دبیر کل حزب کمونیست و مسیس به عضویت کمیته مرکزی حزب پرگزیده شد. قبیل از فروپاشی اتحاد شوروی رئیس بخش ضد جاسوسی ک. گ. ب. بود. پریماکف پس از کناره گیری اندره کوزیروف از مقام وزارت امور خارجه در سال ۱۹۹۶ به این سمت منصوب گردید.

آیا بحران تمام شد؟ روز جمعه گذشته دومای رویسی به پریماکف رای اعتماد

آیا بحران تمام شد؟
روز جمعه گذشته دو مای
روسیه به پریماکف رای اعتماد

A black and white portrait of a middle-aged man with dark hair and glasses, wearing a dark suit and tie. He is looking slightly to his left.

پس از اینکه چرنومیر دین به
کنال نخست وزیری روسیه
گمارده شد دومای این کشور در
دو بار رای گیری، از سه مرحله
پیش‌بینی شده در قانون اساسی،
از انتصاب وی به مقام
نخست وزیری خودداری نمود و
تا حد انحلال خود توسط یاتسین
پیش رفت. از سوی دیگر
تعدادی از اعضای دوما خواهان
آماده‌سازی طرح برکناری
یاتسین از مقام ریاست جمهوری
بودند.

در این میان بیل کلکلیتون رئیس جمهور آیالات متحده به رویه مسافرت نمود و از سیاستمداران ایس کشور خواست تا راه «رiformهای اقتصادی» را ادامه دهند. در نشست وزیری خارجه اتحادیه اروپا رسمیاً اعلام شد که این اتحادیه از پرداخت هر گونه کمک مالی به رویه معدوم است و قرار شد «ترویکا» بی به این کشور اعزام دارند.

در بحث‌های دوماً، چرزنومیریدن در معرفی برنامهایش برای مبارزه با بحران، صحبت از «دیکتاتوری اقتصادی» نمود. به گفته وی این دیکتاتوری به معنای تلقیقی از کنترل دولت بر امور مهم اقتصادی، از یک سو و ادامه راه بازار افزای از دیگر سو، است. سرگئی یاولینسکی از حزب لیبرال (ایالوکو) در مخالفت با چرزنومیریدن گفت: انتخاب وی به معنای خاموش کردن آتش با بنزین است. کمونیست‌ها نیز از مخالفان سرشت انتخاب چرزنومیریدن به سمت نخست وزیری بودند. زیگاف

بیش از ۱۰۰۰۰ پلیس مسلح به کارگران اعتراضی کرده جنوبی یورش برده‌اند تا مقاومت آنان را در هم شکنند. یک مادر کارگر در حالی که کودکش را بر پشت خود حمل می‌کند، در تلاش برای جلوگیری از یورش نیروی انتظامی به همکارانش می‌باشد.

پریماکف نخست وزیر روسیه شد

شروع آن از ژاپن خواهد بود.
ژاپن این غول بزرگ اقتصادی از بزرگترین صادرکنندگان سرمایه در جهان و صاحب بزرگترین ذخیره ارزی جهان می‌باشد که بخش اعظم آن از دلار آمریکا تشکیل شده است. از سوی دیگر اقتصاد ژاپن ۱۰ سال است که در رکود به سر می‌برد. پیکاری در این کشور از مرز ۵٪ عبور کرده و ۱۶ تریلیون یمن تزریق شده از سوی دولت به بازار هنوز هیچگونه تاثیری از خود نشان نداده است.

بسیاری از بانکهای ژاپن ورشکسته هستند. آنها طی چند سال گذشته وام‌های کلان با بهره‌های بسیار بالا برای خرید سهام در بازار بورس پرداخت کرده‌اند و در عوض اوراق بهادار املاک و مستغلات دریافت نموده‌اند که ارزش واقعی آن بسیار کمتر از قیمت معاملاتی آن است. بی‌ارزش شدن اوراق بهادار، بازار بورس در ژاپن را تحت فشار قرار داده است و دیر یا زود شاخص‌های اصلی در این بازار سقوط خواهد نمود.

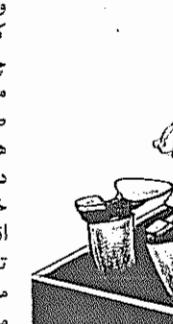
بدین ترتیب اگر ژاپن بخواهد بر بحران خود غلبه نماید مجبور است اقدام به فروش دلالهای خود نماید. رئیس‌بازار شدن دلالهای ژاپن به بازارهای مالی به معنی کاهش قیمت آن در جهان عرضه و تقاضا و آغاز یک بحران همه‌جانبه در اقتصاد چنان است.

تاثیرات خود را گذاشته و دولت این کشور را با کمبود ارز مواجه ساخته است.

با این همه، ثبات اقتصادی آمریکا و اروپا حیرت‌انگیز است و تاثیرات این بحران‌ها بر اقتصاد کلان این مناطق محدود می‌باشد. چرا؟ زیرا برخلاف بازارهای مالی، که هم آمریکا و اروپا از صادرکنندگان سرمایه در آن هستند، بازارهای تجاری کمتر درهم تیهده می‌باشند. تجارت خارجی تنها ۱۰٪ از توان اقتصادی ایالات متحده را تشکیل می‌دهد. همین امر در مورد اتحادیه اروپا نیز صدق می‌کند. بخش اعظم تجارت خارجی این اتحادیه بعد از آمریکا در میان اعضای آن صورت می‌گیرد. بطور مثال صادرات آلمان (موتور قدرتمند این اتحادیه) به روسیه تنها ۱/۹ از کل صادراتش را تشکیل می‌دهد و حتی صادرات این کشور از ژاپنیه تاژوئیه ۱۱/۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. بنابراین حتی اگر مناطق و کشورهای بحران‌زده از واردات کالاهای و خدمات صرف نظر نمایند، بازار داخلی آمریکا و اروپا این کاهش را بحران نماید.

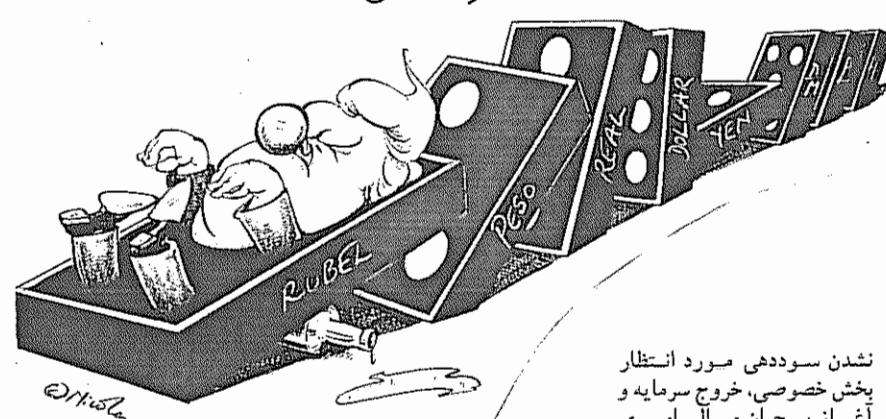
چرا بورس بازان ناآرامند؟

همه متخصصان مسائل مالی متفق‌القوند که اگر قرار باشد یک بحران جهانی و فرآگیر آغاز شود،



سرمایه در یانکها می‌کنند. این مسئله موجب کاهش تولیدات داخلی و بالطبع صادرات و نهایتاً فروود ارز به کشور خواهد بود.
بنابراین دیر یا زود هنگامی که دیگر از بهره ۱۵ درصدی خری نباشد، بحران مالی دامنگیر خواهد شد. از سوی دیگر سیاری از کشورهای امریکای لاتین مانند شیلی و ابسته به صادرات مواد خام هستند. بحران مالی در آسیا و سایر نقاط جهان، هم اکنون بر صادرات من شیلی

ان اقتصاد



شدن سوددهی مورد انتظار
خش خصوصی، خروج سرمایه و
غاز بحران مالی اسری
جتناب تاذیر است. برآوردهای
نظام شده نشان می دهد که
حران مالی تا پایان امسال بر
تولید ناخالص ملی اندوزی
۱۵٪، که جزوی ۷٪ و تایلند ۸٪
باشیر منفی خواهد گذاشت.
صحبت این برآوردها در مالزی
ایثار گردید. تولید ناخالص
بن کشور در شش ماهه اول
مسال ۶٪ رشد متفق داشته
ست.

در آمریکای لاتین از آغاز
حران «سدھکاری» در سال
۱۹۸۰ تا به امروز، اوپرای تغییر
ساخته است و ما شاهد رشد
اقتصادی ۵ درصدی می باشیم.
ما حتی متخصصان صندوق

روسیه بطور مثال ۲۰ سرایر سوئیس است، اما تولید ناخالص ملی آن دهها برابر کمتر است و درآمد سرانه مردم در روسیه حتی کمتر از نامیپا و پرو است و وزنه جهانی اقتصاد این کشور در مقایسه با زاپن دهها برابر کمتر است.

بحران‌های مالی طی چند سال گذشته چه در روسیه، چه در کشورهای موسوم به بیرهای آسیا و چه در امریکای لاتین همگی دارای کلیشه و بافت مشابهی هستند: در آغاز بر اثر کسری موازنۀ تجاری و ارقام بالای بدهکاری‌های خارجی، ارزهای این کشورها تحت فشار قرار می‌گیرند. سپس بازار سهام عکس العمل نشان می‌دهد و سقوط آن آغاز می‌شود. دلیل آن نیز سرمایه‌گذاری بدون کنترل بخش خصوصی و کسرن‌های مالی در بازارهای جهانی می‌باشد.

تنها از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵ این سرمایه‌گذاری‌ها از $\frac{1}{8}$ میلیارد دلار رسید که $\frac{72}{167}$ ٪ از جمیوع انتقال پول جهان را در بر می‌گرفت. بیش از $\frac{80}{100}$ ٪ رقم یاد شده به دوازده کشور صورت گرفته است که غیر از چن همگی در بحران اقتصادی بسر می‌برند. کاهش سود سرمایه در آغاز سال گذشته میلادی به ۲۲ میلیارد دلار، دلالان سرمایه را دچار دستپاچگی ساخت. با کوچکترین تنش مالی و برآورده

ده سال پیش کامسومول های جوان در انتستیتوی تحقیقات استراتژیک مسکو، اقتصاد سرمایه‌داری را می‌آموختند. پس از فروپاشی اتحاد شوروی آنان بعنوان مدیران بانکها، کارخانجات و صنایع سکان امور را بدست گرفتند و سوای اینکه برخی از آنها تروتیهای کلانی به دست آوردند، یک کنورد چهارمی نیز از خود بجای گذارند. آنان چنان کردند که تا طی چند ماد ارزش سهام در روسیه بیش از 90% درصد سقوط نماید. برای مقایسه: در بحران اقتصادی که در روز معروف به «جمعه سیا» سال ۱۹۲۹ آغاز و تا سال ۱۹۳۲ ادامه یافت، مجموع سقوط ارزش سهام 85% درصد بود.

در بازار بورس ایالات متحده، فقط طی چند روز تسامی سود سرشار 9% ماهه صاحبان سهام از بین رفت. در بازار فرانکفورت طی ۶ هفته‌بهای 30% شاخص مهم بورس یک پنجم سقوط نمود و زیانی برایر 30% میلیارد مارک بر جای گذاشت. افت و خیزهای بازار بورس یک بار دیگر «بهران»، این معظل ذاتی سرمایه‌داری جهانی را به نایش گذاشت.

آیا بحران مالی جهانی می‌شود؟ تا آنجایی که این سوال مربوط به بحران مالی در روسیه و اثرات آن بر اقتصاد جهانی می‌شود، باید گفت: نه! هرچند جمعیت